



بررسی عوامل مهم در شکل گیری هویت ایرانی و اسلامی و ارائه راهکارهای موثر

مریم منصوریان

پیش دبستان غیردولتی یاسین

Maryam.mansourian68@gmail.com

درنا عبادی

پیش دبستان غیردولتی علوم پزشکی شیراز

Dorna.ebadi@gmail.com

سمیه عابدی

پیش دبستان غیردولتی یاسین

samira.abedi@yahoo.com

زهره مظفری

دبستان غیردولتی یاسین

Zohre.mozafari1394@gmail.com

چکیده

در شرایطی که بشر کنونی با شتابی وصف ناپذیر از جامعه صنعتی به فراصنعتی پانهاده، مباحث اخلاقی و ارزشی سیر قهقراپی پیدا کرده، به طوری که زمینه ظهور و بروز انواع نگرانی‌ها، ناآرامی‌های روانی، اجتماعی و ... را در جامعه خصوصاً در سنین کودکی در پی داشته است. تنها راه چاره انسان جهت در امان ماندن از این عوارض، این است که گمشده اساسی را که همان هویت ایرانی و اسلامی است و در پشت این تنوعات، شتاب زندگی روزمره، فشارکار، زرق و برق و تجملات، تکنیک‌های هنر مدرن، تصویر و صدای رسانه‌ها مخفی مانده را هرچه زودتر بیابد. محیط پیرامون ما نقش مهمی در تربیت فرزندان دارد. اگر ما بخواهیم کودکی متدین و آراسته به حسن خلق و با هویت اسلامی و ایرانی تربیت کنیم، به ناچار باید محیط پیرامون خود را به نحوی آماده کنیم که فضای خوبی برای انسان‌سازی باشد. در این‌صورت با حضور در محیط‌های نامناسب، افراد می‌توانند در آن محیط خود را حفظ کنند و تأثیر نگیرند و تأثیر گذار هم باشند. زیرا قبلاً محیط‌های سالم را تجربه کرده و هویت خود را در آن محیط شکل داده‌اند. در این مقاله سعی بر آن است که ابتدا تعاریف کاملی از هویت، هویت اسلامی و ایرانی بیان شود و سپس به جدایی ناپذیری هویت ایرانی با هویت اسلامی اشاره گردد و در ادامه با فراهم سازی بستری مناسب در آموزشگاه‌ها زمینه شکل گیری هویت ایرانی و اسلامی فراهم شود. کودک به اقتضای روح پاک و فطرت الهی گونه خود، بسیار زودتر از دیگر اقشار جامعه آمادگی لازم جهت تربیت صحیح متناسب با اهداف ایرانی و اسلامی خواهد داشت. در پایان این پژوهش روش‌های دست‌یابی به این مقوله مهم در بخش نتیجه‌گیری و پیشنهادات ذکر شده است.

واژگان کلیدی: هویت، هویت ایرانی، هویت اسلامی.



مقدمه

در این سال ها راه های بسیاری برای بازیابی آنچه با نام های هویت ملی، هویت ایرانی، هویت ایرانی اسلامی و ... نامیده شده، اندیشیده و به مرحله اجرایی شدن رسیده است. با این همه تاثیر این اندیشه ها در فضای عمومی جامعه بطور شفاف مشخص نشده است. زیرا هنوز نظریه هایی برای تعیین مولفه های دخیل در این دگرگونی ها وجود ندارد.

پرسش هویت به ویژه در چند دهه گذشته، بی گمان یکی از مهم ترین پرسش ها در حوزه روابط میان افراد و جوامع بوده است. چندان که هم خود پیوسته در کانون توجه رسانه های همگانی بوده و هم عرصه ای برای تفسیر و سنجش هر گونه بیان یا بیانیه فراهم کرده است. توجه فراگیر به این پرسش بدون در نظر گرفتن سرچشمه های گوناگون آن، نشان دهنده اهمیت شناخت هویت است. از سوی دیگر گوناگونی و تضاد آرایه ای که به طور مستقیم و غیر مستقیم درباره مفهوم هویت ارایه می شوند، پیچیدگی آن را نشان می دهد و در نتیجه این امر شرایط مطلوبی را برای بررسی های بیشتر درباره هویت ایجاد می کند.

امروزه در جامعه ما در میان معماران، هنرمندان و گروه کوچک منتقدان، اندیشمندان، مردم و مدیران، از هویت بسیار سخن گفته می شود. معمولاً کانون سخن نگهداری از ارزش های کهن و جلوگیری از ورود ارزش های بیگانه است بحث هویت اما پرسش ویژه این سال ها نیست و دست کم از چهار دهه پیش تاکنون محور بحث بوده است. بسته به اینکه انسان، در هنگام تولد در کدام حوزه فرهنگی قرار گیرد، طبیعتاً احساس هویت اجتماعی او دارای مشخصه های منحصر بفرد همان حوزه می شود. این مشخصه ها، با انسان و رشد اجتماعی او، از طرف محیط زندگی، آموزش، کار و مجموعه روابط اجتماعی، به وی، خودآگاه و یا ناخودآگاه، تزریق می شوند.

هویت فرهنگی، امری نیست که از کسی گرفته شود یا بتوان به زور به وی تحمیل کرد. این هویت، در واقع، هسته اصلی تشکیل دهنده شخصیت اجتماعی انسان است و برای همین، طلبدنی و خواستنی نیست. همانگونه که گفته شد، هویت اجتماعی انسان، از عوامل بسیاری برگرفته شده است که رویدادها و تغییرات مقطعی، قادر به ایجاد تغییرات اساسی در آن نیستند و نمی توان با تکیه بر یک یا دو عامل تمایز، مثل زبان و یا اعتقادات، بین گروهی از انسانها، با گروهی دیگر، اعلام هویت مستقل کرد.

گروه انسانی بدون هویت روی کره زمین وجود ندارد، چرا که انسان در جامعه زندگی کرده و رشد یافته است و تکامل او اجتماعی بوده است، نه انفرادی؛ بنابراین هر انسانی در هر جامعه ای که زندگی می کند - جدا از مسائل حقوقی و سیاسی در یک مقطع خاص تاریخی - دارای هویت مشخص اجتماعی و تاریخی است (رجایی، فرهنگ ۱۳۸۰).

هویت

در طول تاریخ، ایرانیان با توجه به موقعیت استراتژیکی که داشتند مورد حمله اقوام مختلف قرار می گرفتند اما با توجه به هوش و درایتی که داشتند، توانستند قوم غالب را مجذوب فرهنگ خود کنند و برتری فرهنگ خود را بر فرهنگهای دیگر نشان دهند. از زمان حمله اعراب به ایران، فرهنگ ایران از دو فرهنگ اسلام و غرب تاثیر زیادی گرفته است.



هویت فرد فقط در این نیست که او کیست بلکه این است که گروهی که وی بدان تعلق دارد کدام گروه است و چگونگی انتقال آن را نشان می دهد. واژه هویت بیانگر چه کسی بودن است که احتیاج بشر به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی ناشی می شود. با توجه به این مطالب در می یابیم که انسان ها برای معرفی خود مجبور به استناد به اشیاء یا مفاهیمی انتزاعی هستند که با آن معرفی شده اند و به همین خاطر است که ما می بینیم کشورها گرایش به ایجاد میراث فرهنگی غنی پیدا کرده و سعی در نشان دادن آثاری برای نشان دادن هویت خود دارند که از طرق مختلف این امر را میسر ساخته اند (از طریق ایجاد موزه های مختلف و خریدن آثار باستانی کشورهای عقب افتاده و ثبت آن آثار به نام خود).

به این ترتیب هویت خصوصی یگانه است که در جامعه انسانی به عنوان یک حق برای متمایز بودن افراد در جوامع مختلف از همدیگر به رسمیت شناخته می شود و عناصر تشکیل دهنده آن عبارتند از سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی، فرهنگ و هنر مشترک و غیره (رجایی، ۱۳۸۰).

هویت ایرانی

هنگامی که سخن از «ایران» به میان می آید، ذهن، خودبه خود، متوجه جغرافیای سیاسی کنونی و ترکیب جمعیتی و ویژگی های امروزی آن می شود، در حالی که از دید هویت شناسی، واژه «ایران» در بر گیرنده دیرپاترین یادمان های مدنی و تاریخی بشریت، در حوزه ای بسیار گسترده تر از مرزهای سیاسی امروز است. ایران، کهن ترین سرزمینی است که بشر موجود در آن، در هزاره ها، هویت اجتماعی یافته و مجموعه ای از مشخصه های خاص و متمایز را، از گذر این هزاره ها، شکل داده و پرورانده است.

هرچند هویت مکتوب ایرانی، خود را با داده های میتراپی و اوستایی نمایان می سازد، اما این داده ها هرگز نمی توانسته اند یک شبه پدید آمده باشند؛ بنابراین نتیجه هزاران سال بده-بستان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، در بین گروه های گسترده انسانی بوده اند؛ گروه هایی که شاید امروز هیچ نشانی از ایشان نباشد، اما میراث آنها، بخش های اصلی هویت ایرانی را شکل می دهند و آنها را از بقیه مردمان، در سایر حوزه های هویتی، جدا می سازند. مشخصه های اصلی این هویت را می توان در چنین زمینه هایی برشمرد: حوزه جهان بینی، فلسفه و اخلاق (رجب زاده و همکاران، ۱۳۸۲).

دکتر الهی قمشه ای با نگاه فلسفی خود نور الهی و مقابله با تاریکی، توحید گرایی، هویت الهی، پرستش نور را از ارکان اصلی هویت ایرانی تلقی کرده است. او همچنین هنر دوستی و تسامح گرایی را سرچشمه های فیاض هویت ایرانی دانسته است (الهی قمشه ای، ۱۳۸۵).

هویت اسلامی

هویت اسلامی بر اساس اصول آن (اصول دین) و فروع آن (فروع دین) مشخص می گردد. اما از آنجا که جامعه ما جامعه ای شیعی است، هویت اسلامی ما متمایل می شود به فقه شیعه و چون مذهب رسمی ایران، شیعه اثنی عشری است، بنابراین می توان علاوه بر استنباطات قرآن، از نظرات معصومین و احادیث معتبر که در شرح علمای فقیه تا به حال مطرح شده است، استفاده کرد. اما به جهت پیدا کردن ایده نظریاتی که تاکنون پیرامون هویت اسلامی داده شده است را می توان



بررسی کرد. رسول خدا(ص) در جهت یک همبستگی ایمانی مسلمانان و ایجاد یک امت واحد و روح وحدت در بین جامعه در راستای برپایی یک هویت اسلامی سفارشات کرد که به گوشه‌هایی از آن می‌پردازیم:

مسلمانان برادر یکدیگرند، آنان همگی چون فردی هستند که هرگاه یکی از اعضای پیکرش به درد آید، دیگر اعضای او با آن همدردی می‌کنند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، دیگر مسلمانان را آزار نمی‌دهند، به امور مشکلات مسلمانان اهتمام دارند و فریادرس مظلومان هستند، دنبال لغزش و عیب یکدیگر نیستند و آبرو و شخصیت اجتماعی دیگر مسلمانان را حفظ می‌کنند، به عهد و پیمان خود وفادارند، فضائل اخلاقی در بین آنها رواج دارد. لذا با هم حسن خلق دارند و از کینه و بدخواهی پرهیز می‌کنند، از تفرقه و دوری از جامعه گریزان هستند. از این رو، رسول خدا (ص) برای ساخت یک امت و هویت جدید اسلامی در جامعه جاهلی آن روز موفق شد با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی، نبوت و رهبری را به جای شیخ قبیله، ارزش‌های اسلامی را به جای ارزش‌های جاهلی، توحید و یکتاپرستی را به جای شرک و چندخدایی، مسئولیت‌پذیری را به جای مسئولیت‌گریزی، عقیده به معاد را به جای آینده پوچ و عبث، کار و تولید را به جای رخوت و سستی، فضایل اخلاقی را به جای رذایل اخلاقی، کمک به نیازمندان و آزاد کردن بردگان را به جای به بیگاری کشاندن انسان‌های مستضعف، حکومت جهانی را به جای حکومت قبیله‌ای، منافع اسلامی و انسانی را جایگزین منافع قبیله‌ای، اعتماد را به جای بی‌اعتمادی، مسابقه در خیرات را به جای مسابقه در شرور، ایثار و عدل و انصاف را به جای غارت و ظلم و تلاش برای دستیابی به آینده بهتر را به جای رکود و تلاش برای حفظ وضع موجود قرار داد (نصف لک زدایی، ۱۳۸۵).

هویت دینی

هویت دینی به عنوان هویت جمعی متضمن آن سطح از دینداری است که با مای جمعی یا همان اجتماع دینی یا امت، مقارنه دارد. در واقع هویت دینی نشان دهنده احساس تعلق به دین، جامعه دینی و مای مسلمانان و احساس تعهد به دین و جامعه دینی است.

هویت دینی را در دو سطح می‌توان مشاهده کرد. اول سطح فردی و شخصی که تقریباً مترادف با دینداری فردی است اما در سطح دیگر، هویت دینی به عنوان جمعی نیز مطرح است و متضمن سطحی از دینداری است که با مای جمعی یا همان اجتماع دینی یا امت مقارنه دارد. در این معنا هویت دینی به معنای تعلق و تعهد به جامعه دینی است. (دوران، ۱۳۸۶)

هویت اجتماعی

با توجه به اینکه بخش مهمی از هویت شخصی افراد در جامعه شکل می‌گیرد، طبیعی است که بخش بزرگ‌تر و مهم‌تر هویت اجتماعی آنها، در اجتماع شکل بگیرد و معنا پیدا کند. این سخن که "شعور افراد، وجود آنان را تعیین نمی‌کند، بلکه وجود اجتماعی آنان شعورشان را تعیین می‌کند." اهمیت هویت اجتماعی را نشان می‌دهد (ریچارد جنکینز) (به نقل از فرزانه قاسمی، ۱۳۸۶).

هویت جمعی یا اجتماعی نشئت گرفته از جایگاه و تعلق فرد به جامعه است و انسان‌ها در هویت جمعی خود نیز تعهداتی از قبیل هویت جنسی، هویت سنی، نژادی، قومی، مذهبی، طبقاتی، منطقه‌ای، ملی و فراهم ملی دارند. بنابراین هیچ یک از این



هویت ها در مقابل دیگری نیست، بلکه هرکدام از نظر اهمیت و جایگاه دارای وزن خاص خود هستند. لیکن همه آنها هویت پویا دارند و همواره در حال تغییرند. پس هویت امری ثابت نیست بلکه روندی سیال و نو شونده است که خانواده، ایل، قبیله و جامعه به افراد می دهند. یعنی اجتماعی شدن متشکل از مجموعه ای از افراد که در خوی، خون، خلق، خاک، فرهنگ و چیزهای دیگر مشترک هستند.

هویت اجتماعی در واقع بر اساس جایگاه مشخص فرد در جامعه و اجتماع تعریف می شود و از آنجا که جامعه متشکل از نهادها و گروه های صنفی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی است، هویت اجتماعی شخص نیز بر اساس تعلق او به این نهادها و جایگاهش در آنها می تواند چندگانه باشد (حیدری، ۱۳۸۶).

عوامل تربیتی

عامل تأثیرگذار در شکل گیری هویت اجتماعی انسان، عامل تربیتی است. این عامل، خود برگرفته از عواملی همچون، نوع روابط اخلاقی - فرهنگی و رفتاری حاکم بر خانواده، آموزش و پرورش و همچنین جامعه است. هر یک از این سه حوزه، بخشی از حوزه نفوذ تربیت انسان را شکل می دهند، ولی بسته به اینکه هر یک از عوامل نامبرده، چقدر گسترده تر عمل کنند و انسان مورد نظر را تحت پوشش آموزه های خود قرار دهند، تربیت انسانی را می توانند در حوزه نفوذ خود بگیرند. امروزه آموزش و پرورش و جامعه - به ویژه بخش مربوط به رسانه ها - سهم عمده تری نسبت به عامل خانواده، بر عهده گرفته اند و شاید به همین دلیل نیز باشد که تشابه بیشتری در میان گروه های انسانی دیده می شود.

شکل گیری هویت ایرانی

بررسی سرنوشت تاریخی قلمرو سرزمینی ایران در دوره قاجار بر آن است که پادشاهان آغازین قاجار و سیاست مردانی چون میرزا بزرگ قائم مقام و فرزندش میرزا ابوالقاسم، تصویری از سیمای سرزمینی ایران و پشتوانه ای تاریخی آن داشتند. از این رو، اقتدار قاجارها آشکارا با کوشش برای بازگرداندن و حفظ شکوه سرزمینی ایران زمین، ارتباط داشت. وی در این زمینه تکاپوی آگاهانه ای پادشاهانی چون آغا محمد خان (۱۲۱۰-۱۲۱۳ ه.ق) و فتحعلی شاه (۱۲۱۳-۱۲۵۰ ه.ق) را برای تعیین جایگاه خود در عرصه میراث تاریخی شاهنشاهی ایرانی شاهد می آورد که اقتدار نمایندگان بزرگ آن چون اسکندر، خسروانوشیروان، چنگیزخان، تیمور صاحب قرآن، شاه اسماعیل و شاه عباس یکم که در این زمان و از نگاه شاهان قاجاری حلقه های هم ساز زنجیره ی شاهنشاهی تاریخی ایران بودند.

کوشش میرزا بزرگ قائم مقام در برانگیختن علما به صدور فتوای جهاد در برابر تجاوزگری این فصل است. تکاپوهایی که در برابر سرنوشت گریزناپذیر بخش های شمال غربی این سرزمین راه به جایی نبرد. در ادامه مجادلات و مذاکرات طولانی مرزی با عثمانی، شکل گیری کمیسیون های تعیین مرز، جدال حکومت قاجار با انگلستان بر سر تعیین مرزهای شرقی ایران و جدایی نهایی پاره هایی از ایران زمین باستان در شرق و شمال شرقی این سرزمین که پیامد ناگزیر بازی بزرگ و ناتوانی حاکمیت قاجاری از رویارویی با تحولات جدید بود، به بحث گذاشته شده است. هدف از طرح این مباحث، تبیین این نکته است که در سراسر این روند تاریخی، ایرانیان درگیر در آن، درک مشخصی از قلمرو سرزمینی میهن خویش و پیوند آن با تاریخ داشتند و



برای حفظ به جدّ کوشیدند. این درک در وهله‌ی نخست در نفس دفاع از ایران زمین و در مراحل بعد در جریان مذاکرات و دعاوی مرزی مشاهده شد. در این راه، تاریخ ملی ایران و اسطوره‌ها و میراث باستانی آن مورد توجه تاریخ‌نویسانی چون اعتماد السلطنه، آقا جان کرمانی، فرصت الدوله‌ی شیرازی و محمد حسین خان فروغی قرار گرفت که شکوه و عظمت ایران زمین را با گستره‌ی سرزمینی آن همزاد می‌پنداشتند و با زنده کردن خاطرات روزگار باستانی درد تحلیل روز افزون این گستره را در روزگار غمبار خود، تحمل‌پذیر می‌کردند. ضمن این که مذاکره‌کنندگانی چون میرزا جعفر خان مشیر الدوله و میرزا معصوم خان انصاری نیز، تاریخ و اسطوره‌های ملی ایرانی را وسیله‌ای سودمند در جهت اثبات دعاوی قلمروی ایران یافتند. نهایتاً این که «ایران نوین اگرچه فشرده‌تر از ایران زمین باستانی بود. در این روند هویت جغرافیایی جدیدی رازاده بود: «ملت». از نگاه روشنفکران ایرانی، امپراتوری‌های نوین، برآمده از ملل متمدن و مقتدر بودند. از این رو، ملت توانمند می‌توانست راه رسیدن به امپراتوری جدید باشد. بدین ترتیب ایران نوین همچون دیگر کشور-ملت‌ها برآیند این نوسانات و کشمکش‌های سرزمینی بود (مطهری، ۱۳۶۵).»

جدایی ناپذیری هویت ایرانی و هویت اسلامی:

امروزه در مقابل افراد کشور ما سه هویت ایرانی - اسلامی و غربی وجود دارد که مردم کشور ما در هیچ کدام بطور عمیق وارد نشده اند و با هر فشار و جریانی به سوی یکی از آنها گرایش پیدا می کنند و به دلیل همین گرایشهای سطحی است که دچار افراط و تفریط می شوند البته هویت ایرانیان بیشتر از دو گرایش هویت ملی و اسلامی سرچشمه می گیرد.

سابقه تاریخی و تحلیل روحیات شخصیت ایرانیها نشان می دهد که ملت ایران همواره بر هویت ملی و دینی خود تاکید و تصریح داشته است. این واقعیت فرهنگی و اجتماعی با شخصیت تمام ایرانیان آمیخته است که هر گاه یکی از دو پایه هویت ایرانیان را حذف کنند یا کمرنگ جلوه دهند با واکنش شدید مردم روبه رو شده اند. استاد مطهری هم کنشی این دو هویت مردم ایران را در بستر تاریخ نشان داده است بنابراین به لحاظ تاریخی هویت ملی و دینی در کشور ما به وضوح دیده می شود.

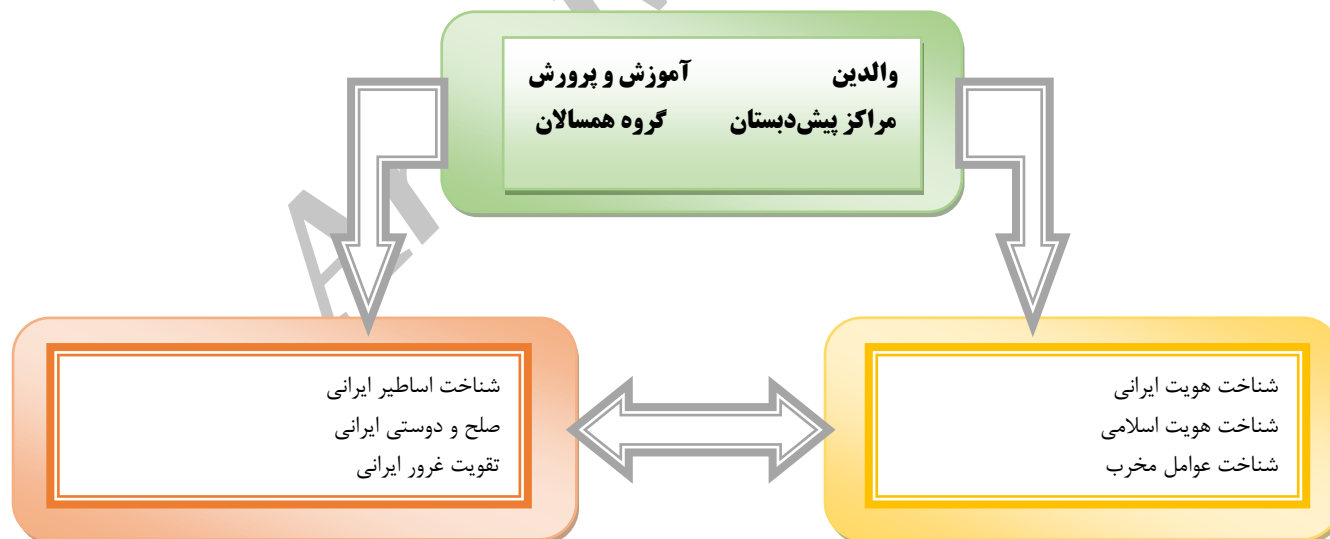
کمتر ملتی را می توان در تاریخ همچون ملت ایران همواره درگیر بحرانهای هویتی یافت علت اساسی آن قراردادن ایران در خاورمیانه که به لحاظ جغرافیایی چهارراه حوادث یا دروازه شرق و غرب دانست. به خاطر همین موقعیت همواره در طول تاریخ شاهد تاخت و تاز اقوام مختلف به ایران بوده ایم گرچه در تمام این دوران ایرانیان می کوشیدند تا از طرق مختلف (مانند نفوذ خواجه نصیرالدین طوسی و مغولان و یا نفوذ عمداً الملک کندی و خواجه نظام الملک بر ترکان سلجوقی) که فرهنگ ایران را بر فرهنگ قوم مهاجم غالب کنند ولی با وجود این دو فرهنگ و تمدن مهاجم یعنی اسلام و غرب نفوذ انکارناپذیری بر فرهنگ و تمدن ما گذاشتند و ایرانیان هیچگاه نتوانستند از تاثیرات این دو فرهنگ برکنار مانند و برخوردار آنها با این دو فرهنگ یا بصورت افراط و یا بصورت تفریط بوده است (مطهری، ۱۳۶۵).



عوامل تخریب هویت ملی

عواملی که هویت ملی ما را خدشه دار کرده است عبارتند از :

- ۱- خودبزرگ بینی که باعث ندیدن نقایص ارزشها و هنجارهای تشکیل دهنده هویت می شوند.
 - ۲- روحیه افراط و تفریط گرایی که در هر دو صورت زیانهای جبران ناپذیری به هویت وارد می کنند.
 - ۳- سرایت دادن ارزشها که در جامعه افراد، بیشتر شان و اعتبار دارند تا سازمانها.
 - ۴- تقدیرگرایی البته تلاش بزرگانی چون مطهری برای تبیین صحیح معنای قضا و قدر و زدودن روح تقدیرگرایی از ایرانیان را نباید فراموش کرد.
 - ۵- اعتماد به شایعه که بصورت یکی از خصوصیات منفی باعث خدشه دارشدن هویت می شود که البته پس از انقلاب این مورد کمرنگ شده است.
 - ۶- فرهنگ تسلیم که اگر ظلمی در جامعه ببینند بخاطر حفظ آبرو تسلیم می شوند و از خود واکنشی نشان نمی دهند این مورد نیز با انقلاب و سهیم شدن آنان در سرنوشت خود کمرنگ تر شده است.
 - ۷- مطلق انگاری که این ویژگی موجب می شود افراد تنها خصایص مثبت خود را مدنظر داشته و از ویژگیهای منفی خود بی اطلاع باشند و نتوانند در جهت رشد و تعالی خود گام بردارند. (رجایی، ۱۳۸۰).
- با توجه به مدل نظری تحقیق و با در نظر گرفتن متغیرهای بکار گرفته شده مدل عملی تحقیق در شکل ۱ بیان شده است.



شکل ۱: عوامل مهم در شکل گیری هویت ایرانی و اسلامی



نتیجه گیری و پیشنهادات:

- ۱- توجه ویژه جامعه به آموزش و پرورش به عنوان نهادی اساسی جهت احیای هویتی ایرانی و اسلامی استحکام آن
- ۲- الگوبرداری صحیح از فرهنگ غیریومی و دریافت جنبه های مثبت فرهنگ دیگر ملل
- ۳- الگوبرداری از دین اسلام با توجه به اهداف تعیین شده پیش دبستان
- ۴- تقویت باورهای دینی و الگوبرداری صحیح از قرآن در مراکز پیش دبستانی
- ۵- درونی سازی هویت ملی و اسلامی از طریق آموزش صحیح مباحث پیش دبستان به کودکان
- ۶- تقویت غرور ایرانی
- ۷- تقویت صلح و دوستی در بین کودکان
- ۸- شناخت اساطیر ایرانی و الگو برداری در ساخت قصه ها در پیش دبستان

منابع

- ۱- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، پدیده جهانی شدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، نشر آگاه تهران
- ۲- رجب زاده، احمد و دیگران (۱۳۸۲) جامعه شناسی ۲، شورای برنامه ریزی، گروه مولفان، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران
- ۳- الهی قمشه ای، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، پیروز مجتهد زاده؛ جوهر هویت ایرانی (۱۳۸۵) (۲۰۰۶/۶/۱۱) در : <http://www.iranyad.ir>
- ۴- لکزایی، نجف، ۱۳۸۵؛ سیره پیامبر اعظم(ص) در گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، بوستان کتاب، چاپ اول، قم
- ۵- دوران بهزاد ۱۳۸۶، محسنی منوچهر، مقاله هویت؛ رویکردها و نظریه ها، مجموعه مقالات هویت و بحران هویت، علیخانی اکبر، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران
- ۶- قاسمی فرزانه، ۱۳۸۶، مقاله مراتب و مولفه های هویت، مجموعه مقالات مبانی نظری هویت و بحران هویت، علیخانی اکبر، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران
- ۷- حیدری محمد، ۱۳۸۶، هویت و امنیت ملی، کتاب مجموعه مقالات هویت و بحران هویت، گردآوری علی اکبر علیخانی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، چاپ دوم
- ۸- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵) خدمات متقابل ایران و اسلام، انتشارات صدرا، تهران، چاپ هفتم.